



احسان قشلی - ایرنا

عقب‌نشینی خزر، سواحل شمالی ایران را در معرض بحران قرار می‌دهد

کاسپین؛ دریا یا بیابان

پهنه آبی خزر برای بسیاری از مردم ایران فراتر از پدیده‌ای طبیعی، بخشی از حافظه اجتماعی آنهاست. دریای کاسپین، اثر عمیقی بر محیط‌زیست پیرامونش دارد. مطالعات نشان داده است اگر این دریا نبود بارش‌های استان‌های ساحلی به‌ویژه گیلان و مازندران ۶۰ درصد کاهش می‌یافت. رطوبت و اعتدال دمایی در همراهی با البرز رخ می‌دهد که همچون مانعی، تکمیل‌کننده اثر دریا است. دیر نبوده زمانی که پیشروی دریای کاسپین، کابوس مردمان ساحل‌نشین بود. این روزها اما دریا کاهش سطح تراز و پس‌روی را پی گرفته است. سال‌هاست گمانه‌های زیادی درباره علت این روند معرفی می‌شود و هنوز استدلال یکسانی مطرح نشده است؛ احتمالاً به این دلیل که زیر سایه درون‌گرایی شوروری سابق، تعامل شفاف میان محققان این منطقه وجود ندارد. از علت پس‌روی دریا که بگذریم، چگونگی رفتار در مقابل این پدیده اولویت دارد.

شکل‌گیری پدیده‌های دریایی است.

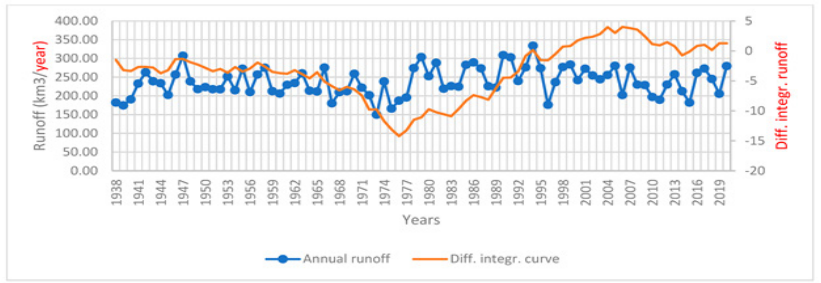
دریای پژمردگی

عوامل مؤثر در تغییرات سطح آب دریای کاسپین هنوز مورد بحث است. دانشمندان دخالت عوامل تکنوتیکی (حرکت پوسته زمین در زیر دریا) یا ژئومورفولوژیکی (میزان رسوب‌گذاری) را رد نکرده‌اند. بااین‌حال، به‌نظر می‌رسد این عوامل در مقایسه با عوامل آب‌وهوایی متغیر، همراه با اثرات مدیریت انسانی آب‌های سطحی در حوضه کاسپین، تأثیر جزئی دارند. بیشتر آبی که به دریا سرازیر می‌شود از رودخانه‌های ساحلی می‌آید. کمیت و کیفیت این آب، به‌ویژه آب ولگا، متغیرهایی کلیدی در تعادل کاسپین هستند. به این موارد باید بارندگی در خود دریا را نیز اضافه کرد. آب همچنین ممکن است از طریق نفوذ به زمین و جریان به خلیج «قره‌یغاز» از بین برود، اما این عوامل در مقایسه با تبخیر طبیعی از دریا ناچیز هستند. دریای کاسپین همچون پهنه آبی دیگری به‌ویژه پهنه‌های آبی بسته، دارای نوسان تراز است. نمونه‌ها و شواهد تاریخی پیشروی و پس‌روی تراز این دریا در کرانه‌های جنوبی را تأیید می‌کند. علاوه‌براین، در طول دوره آماربرداری سیستماتیک نیز شاهد این اتفاق بوده‌ایم که نمونه بارز آن که در خاطره جمعی مردم جنوب ماند، پیشروی دریا از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۴ است که منجر به خسارت‌های عظیم به تأسیسات دولتی و سرمایه‌های مردم سواحل جنوبی شد. در همین حال، طی دوره تاریخی ثبت داده‌های تراز آب دریا شاهد عقب‌نشینی قابل‌توجهی در سال ۱۳۵۷ هستیم که منجر به کاهش تراز آب دریا تا ۲۹- متر شد. از سال ۱۳۷۵، این روند معکوس شده و تا امروز، یعنی سال ۱۴۰۴، به‌میزان دو متر رسیده است. دریای کاسپین به‌عنوان یک حوضه آبی بسته ورودی و خروجی نسبتاً مشخصی دارد و مهم‌ترین ورودی آن رودخانه ولگا است. تمرکز بسیاری از فرضیه‌ها بر رودخانه ولگا به‌دلیل نقش کلیدی آن در تأمین ۸۰ درصد آب ورودی به دریای کاسپین است؛ برخی کاهش ورودی این رودخانه را ناشی از اقدامات انسانی مانند سدسازی می‌دانند و برخی دیگر، نقش تغییرات اقلیم را برجسته می‌کنند. برای رسیدن به دقیق‌ترین پاسخ شاید بهترین راه بررسی آبهی ولگا و آخرین تحقیقات انجام‌شده در سال ۲۰۲۴ باشد.

آمار تراز دریا در ۱۲۱ سال اخیر نشان می‌دهد خزر

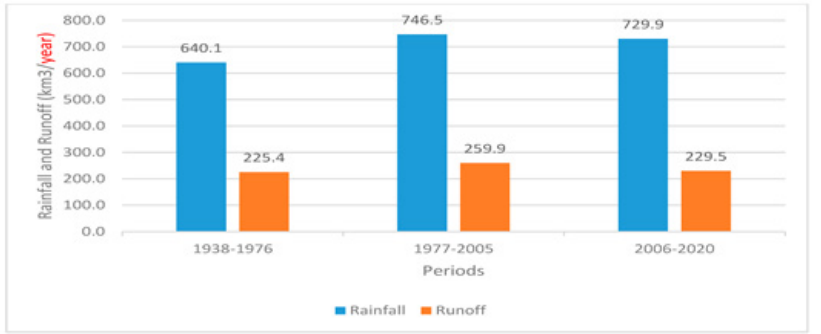
همیشه دارای نوسان‌هایی بوده است. هرچند که کاهش تراز دریا در دهه ابتدایی قرن بیستم عمدتاً ناشی از ساخت سد‌ها بوده است، نوسان‌های طبیعی خزر در قرن گذشته نیز مشاهده شده است؛ یکی از این نوسان‌ها در دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰ میلادی و دیگری در ابتدای این قرن رخ داده است. همان اتفاقی که ما در آن زیست می‌کنیم.

دمای هوا به میزان دو درجه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ است. بنابراین، علاوه‌بر کاهش بارش مشخصی که در گزارش‌های متعدد در حوضه آبریز دریای کاسپین ارائه شده، دمای این حوضه به‌شکل قابل‌توجهی افزایش یافته است. این مسئله در حوزه آبریز بسته‌های جنوب دریای کاسپین سبب افزایش قابل‌توجه تبخیر می‌شود. بنابراین، گزارش‌ها و داده‌های موجود نشان از تأثیر



شکل (۲) تغییرپذیری بلندمدت رواناب سالانه رودخانه ولگا در ایستگاه اندازه‌گیری ورخنیه لیبازیه (منتهی‌الیه خروجی رودخانه) در سال‌های ۱۹۳۸ تا ۲۰۲۰ و منحنی انتگرال تقاضای آن.

درحالی‌که برخی هرگونه دست‌اندازی انسانی و کاهش آب رودخانه ولگا را انکار می‌کنند، برخی دیگر، عامل اصلی کاهش تراز کاسپین را سوءصرف و دخل‌وتصرف‌های کشور روسیه در این رودخانه می‌دانند. اما آیا آمارهای آبهی ولگا این فرضیه را تأیید می‌کنند؟ نکته جالب این است که روند دبی و میزان بارش این رودخانه کاهش را نشان نمی‌دهد، بلکه در مقیاس سالانه، شاهد افزایشی نسبتاً محسوس هستیم. به‌طورکلی، دوره‌های جریان بالای ولگا با بارندگی زیاد در حوضه مرتبط است، درحالی‌که دوره‌هایی با جریان کم با بارندگی کمتر هم‌زمان است. برای هر دوره، حجم بارندگی در حوضه رودخانه با ضرب میانگین بارش سالانه (میلی‌متر) در مساحت کل حوضه محاسبه شده است.



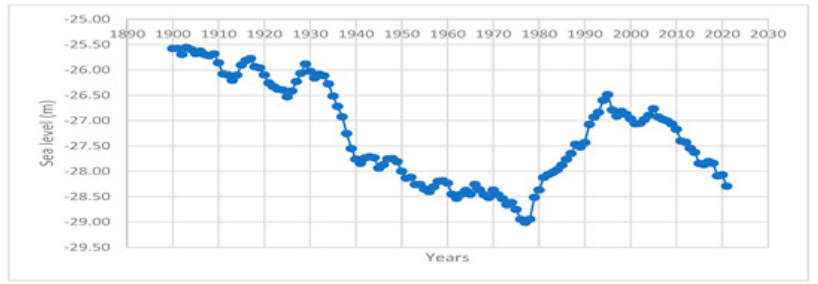
شکل (۳) مقایسه حجم بارندگی در حوضه رودخانه ولگا و رواناب آن در ایستگاه هیدرولوژیکی ورخنیه لیبازیه برای دوره‌های زمانی مختلف.

از طرف دیگر، میزان بارش حوضه آبریز ولگا و تراز آب دریای کاسپین نسبتاً هماهنگ است. مطالعه‌ای جامع از جریان رودخانه ولگا برای دوره ۱۹۳۸ تا ۲۰۲۰ نشان می‌دهد به‌طورکلی جریان سالانه این رودخانه به‌میزان بارندگی سالانه در حوضه آن بستگی دارد. به‌طور متوسط، دوره‌هایی با مقادیر بالای جریان رودخانه با مقادیر بالای بارندگی در حوضه رودخانه مطابقت داشته‌اند. بااین‌حال، ضریب رواناب، که بیانگر میزان تبدیل بارندگی به رواناب است، در طول دوره مورد بررسی، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۵، در حال کاهش بوده است.

با استفاده از مقادیر ضرایب رواناب برای دوره‌های مختلف افزایش و کاهش سطح دریا، مشخص شد در دوره ۱۹۷۷ تا ۲۰۲۰، سهم گرمایش آب و هوا در کاهش رواناب رودخانه ولگا در مقابل عوامل انسانی به ۴۹۲/۷ کیلومترکعب رسیده است. این رقم معادل کاهش ۱۳۲/۷ سانتی‌متر از سطح دریا است. مقایسه منحنی زمانی سطح آب دریای کاسپین با منحنی انتگرال تقاضای رواناب سالانه ولگا نشان داد عمدتاً مقادیر زیاد رواناب رودخانه با افزایش سطح آب دریا مطابقت دارد. بااین‌حال، از سال ۲۰۰۵، سطح آب دریا حتی در سال‌های با دسترسی نسبتاً زیاد به آب، به‌سرعت شروع به کاهش کرد.

نکته قابل‌توجه این است که درحالی‌که از نظر تاریخی، تغییرات سطح دریای کاسپین تا سال ۲۰۰۵ منعکس‌کننده نوسانات رواناب رودخانه ولگا بود، از سال ۲۰۰۶ سطح دریا به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته و از تغییرات رواناب رودخانه جدا شده است. تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای این وضعیت با نتایج تعدادی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد در سال‌های اخیر، کاهش شدید سطح آب دریا با افزایش شدید تبخیر از سطح دریا در نتیجه تغییرات رژیم باد بر فراز دریای کاسپین همراه است.

به‌طور مسلم، فارغ از هرگونه دست‌اندازی‌های انسانی بر روی ولگا، مسئله تغییرات اقلیم در حوضه دریای کاسپین به شدیدترین وجه ممکن مشاهده می‌شود. تگایه یا نقشه‌های ناهنجاری دمایی در منطقه خوارزم و شمال دریای کاسپین حاکی از ناهنجاری افزایشی میانگین



شکل (۱) تغییرات میانگین سالانه سطح آب دریای کاسپین طی دوره مشاهداتی ۱۹۰۰-۲۰۲۱. براساس داده‌های ایستگاه هیدرولوژیکی ماخاچ‌قلعه (روسیه)

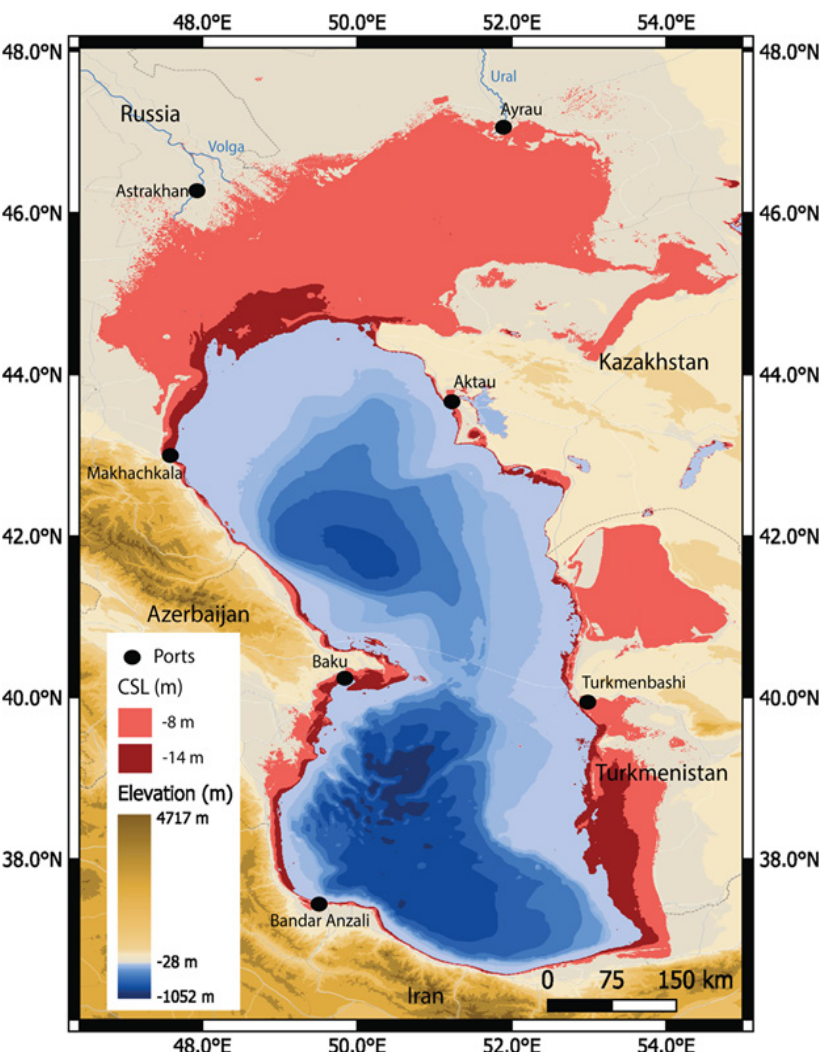
در نتیجه، تعادل آب به‌طور فزاینده‌ای منفی خواهد شد. یک تحلیل مدل با بهترین برازش (مدلی که بیشترین تطابق را با داده‌های واقعی دارد) که محدودیت‌های مهم مدل مربوط به تفکیک مکانی، حساسیت آب‌وهوایی و مساحت سطح دریای کاسپین را برطرف می‌کند، نشان می‌دهد سطح آب دریا ناشی از تغییرات آب‌وهوایی تا پایان این قرن برای سناریوهای SSP۲۴۵ و SSP۵۸۵ با بترتیب حدود هشت متر (محدوده بین مدل‌ها از ۲ تا ۱۵) و ۱۴ متر (محدوده بین مدل‌ها از ۱۱ تا ۲۱) متر کاهش خواهد یافت. (شکل ۴) کاهش سطح آب دریا با این مقادیر منجر به خشک‌شدن کامل حوضه شمالی کاسپین خواهد شد و اثرات نامطلوبی بر اکوسیستم‌ها، زیرساخت‌های ساحلی، ناوبری، تنوع‌زیستی و اقتصاد کل منطقه خواهد داشت.

دریا یا بیابان؟

در مسئله پس‌روی تراز آب دریای کاسپین و عقب‌نشینی آن و خطر ایجاد گردوخاک برای سواحل جنوبی آن، یعنی استان‌های شمالی، دو مسئله را باید مورد توجه قرار داد. یک، پس‌روی تراز آب سواحل جنوبی دریای کاسپین که منجر به آزادسازی سطوح ماسه‌ای-نمکی در جوار سکونتگاه‌های کنار دریا شده است؛ یعنی سواحل داخلی ایران، بیابان‌هایی محلی که با توجه به عقب‌نشینی ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری فعلی در سواحل هم‌اکنون نیز مستعد ایجاد طوفان‌های گردوخاک محلی هستند. به‌طورمثال در ساحل اباتر مسر آستانه اشریفه برآوردی از تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲، خط ساحلی ۲۰۰ متر عقب‌نشینی کرده است. وجود اشکال انباشت ماسه‌ای و لندفرم‌های فرسایشی بادی در منطقه ساحلی به‌طور ذاتی بیانگر فعالیت باد و ماسه است. بنابراین، با توجه به طول ۹۰۰ کیلومتری ساحل دریای کاسپین، اگر عقب‌نشینی دریا را با فرض ادامه آن به ۵۰۰ متر در نظر بگیریم، ما یک باند بیابانی فرضی در سواحل شمالی با وسعت ۴۵۰ هزار کیلومترمربعی خواهیم داشت! هرچند تمامی اعداد این محاسبه سرانگشتی فرضی است، آنچه واقعیت انکارناپذیر است، عقب‌نشینی پیوسته دریای کاسپین و طوفان‌های گردوخاک است که ما را تهدید می‌کند.

مسئله دیگری که البته اثرات مشخص‌تر و ابعاد خطرناک‌تری دارد، پس‌روی پیوسته دریا در سواحل شمالی، شمال‌شرقی و شرقی آن است. گزارش‌های جدید حاکی از عقب‌نشینی قابل‌توجه تراز آب دریا در قزاقستان است. سی‌ام تیر ۱۴۰۲، سرویس جهانی بی‌بی‌سی از اثرات منفی عقب‌نشینی دریا در سواحل قزاقستان خبر داد. تصاویری که سایت شرکت ملی فناوری فضایی قزاقستان منتشر کرده این روند را تأیید می‌کند و پردازش تصاویر ماهواره‌ای نشان از کاهش هفت درصدی بستر دریا در منطقه قزاقستان دارد. سال ۲۰۰۸ حجم آب دریای کاسپین در قزاقستان حدود ۱۱۴ هزار کیلومترکعب بود، اما درحال حاضر به کمتر از ۱۰۶ هزار کیلومترکعب رسیده است. ابعاد این مسئله سبب اعلان هشدار وضعیت فوق‌العاده در بندر «آکتاوه» قزاقستان شده است.

در مجموع، ادامه عقب‌نشینی در سواحل شمالی، شمال‌شرقی، شمال‌غربی و شرق با توجه به غلبه بادهای شمالی و جهت وزش آنها به‌سمت سواحل جنوبی دریای کاسپین، احتمال افزایش شدید طوفان‌های گردوخاک در منطقه را بالا می‌برد و بیشترین با توجه به مسیر سیر و گسیل آنها، بیشترین تأثیر آن متوجه کرانه‌های جنوبی دریای کاسپین و استان‌های گلستان، مازندران و گیلان خواهد بود. نمونه بارز این اتفاق که هشدار جدی برای ماست، طوفان گردوخاک ۳۰ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ است که شاخص PM1۰ را در ایستگاه سنجش کیفیت هوا در منجیل را به عدد ۲۴۰۰ رساند.



شکل (۴) تأثیر بر دریای خزر برای کاهش پیش‌بینی‌شده از ۸ تا ۱۴ متر تا پایان قرن بیستونیم به‌ترتیب برای SSP۲۴۵ و SSP۵۸۵.

ایما فریدمجتهدی، دکتری آب‌هوشناسی |
سمانه نگاه، دکتری هواشناسی |



سطح آب خزر نوسان‌های طبیعی دارد، اما کاهش اخیر نگران‌کننده است. پس‌روی دریا در سواحل شمالی و جنوبی و عقب‌نشینی تراز آب پیش‌ازپیش مشاهده می‌شود



آثار تغییرات اقلیم در خزر مشهود است، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ دما در منطقه خوارزم و شمال خزر به میزان دو درجه افزایش یافته است و این افزایش دما تبخیر را شدت می‌بخشد

همچون برف دریاچه‌ای و گردباد دریایی (ابراهی قیفی‌شکل)، نمونه‌ای از اثرهای مستقیم آن در

با تعریض جاده خروجی تونل محور «گچساران-چرام»، درختانی که «البرز زارعی» برای نجاتشان در آتش جان داد، از بین می‌رود

«تنگ دیل»، شاهد مرگ بلوط‌ها

مدیرکل محیط‌زیست کهگیلویه‌وبویرحمد؛ قطع درختان در هنگام ساخت‌وساز جاده‌ها اجتناب‌ناپذیر است، مگر در پارک ملی گلستان یا در پارک ملی دنا جاده نکشیدند؟



ا فروغ فکری | روزنامه‌نگار

البرز زارعی» بعد از خاموش کردن آتش «خامی» در خردادماه سال ۹۹، به کوه دیل رفت. خودش تعریف کرده بود که «داخل دیواره‌ای گیر کردم. آتش از پایین زیانه کشید و آمد سمت من. هیچ راه فراری نداشتم. همانجا ماندم و سوختم.» او در دشت دیل سوخت، در میان بلوط‌ها و بادام‌ها. دو هفته جسم عفونت‌کرده‌اش در بیمارستان برای زنده ماندن تلاش کرد، اما نشد. او برای حفظ درختان تنگ دیل کهگیلویه‌وبویرحمد جانش را به آتش داد، همان جایی که حالا می‌خواهند با جاده‌سازی درختانش را نابود کنند و محلی‌هایش نام البرز از دهانشان نمی‌افتد: «البرز برای حفظ درختان اینجا جانش را داد، حیف!». این پوشش گیاهی متراکم بعد از تونلی است که برای روان شدن تردد بین گچساران تا روستای دیل و چرام کشیده شده، اما فعالان می‌گویند نیازی به عریض کردن جاده در خروجی تونل نیست؛ آن‌هم در منطقه حفاظت‌شده. بهانه فعلی اما ملی بودن این طرح است و حمایت نماینده مردم گچساران در مجلس بدون توجه به اثرات مخرب محیط‌زیستی و بی‌توجهی اداره‌کل محیط‌زیست استان به این تخریب، نگرانی‌ها را چندین برابر کرده است.

درختان صد سال در این نقطه زندگی کرده‌اند، چطور می‌توانند به‌راحتی آنها را از ریشه درآورند؟» به‌گفته او، جواب اعتراضات تاکنون این بوده که ساخت این جاده پروژه‌ای ملی است و نمی‌توانند آن را متوقف کنند. «این راه، راهی بسیار قدیمی است و براساس اسناد موجود از زمان قاجار وجود داشته اما مشکل اینجاست‌که تعریض جاده در این چهار کیلومتر، یعنی بعد از تونل تا روستا، عامل نابودی جنگل‌هایی است که بیشتر از عمر این حکومت‌ها عمر داشته‌اند.»

توسعۀ ارزشمند برپایه تخریب کمتر است

منطقه حفاظت‌شده کوه دیل در سال ۱۳۷۸ در لیست مناطق حفاظت‌شده قرار گرفت. منطقه‌ای ۲۵کیلومتری شمال گچساران (روستای گردشگری دیل) که در خطالرأس آن باغ‌های دیم و کپرهایی به‌همراه چشمه، حوض و قنات‌هایی از میراث نیاکان طایفه دیلی قرار دارند.

تردد از این مسیر کوهستانی همواره سخت بوده و همین مسئله دلیل حفر تونل شد. «امید سجادیان»، دبیر تشکل

«نهضت سبز زاگرس» درباره سال‌های شروع به کار ساخت آن می‌گوید «براساس طرح، نقشه، تأمین اعتبارو تعیین پیمانکار، چند کیلومتر بالاتر از روستای آبریکون، پروژه حفر تونل در زیر کوه دیل شروع و دهنه بعدی تونل در دشتک دیل، واقع شد. اما از دهنه تونل تا خارج شدن از دشتک دیل، حدود چهار کیلومتر در کناره‌های جاده، انبوهی از درختان بلوط و بادام وجود دارد که با توجه به عریض کردن و تسطیح جاده، گونه‌های درختی و گیاهی که در مسیر پروژه قرار گرفته‌اند، از بین می‌روند.»

به‌گفته او، می‌توان برای کاهش خسارت به چهار کیلومتر یادشده، از دوبانده و عریض شدن جاده، صرف‌نظر کرد.

«توسعه و ایجاد مسیریهای ایمن، بخشی از نیازهای اجتناب‌ناپذیر مناطق است، اما این توسعه زمانی ارزشمند خواهد بود که برپایه تخریب کمتر باشد. در هر جایی که می‌توان با طراحی دقیق‌تر، مسیریهای جایگزین یا روش‌های مهندسی کم‌خطر، آسیب کمتری به طبیعت وارد کرد، باید همین مسیر انتخاب شود.»

سجادیان تأکید می‌کند آنچه مناطق را زیست‌پذیر و قابل‌سکونت نگه می‌دارد، طبیعت و درختان کهنسالی

شش سال قبل که طرح ساخت تونل برای جاده ترانزیتی اصفهان تا گناوه به میان آمد، «علی‌اکبر حیدریپور» و سایر فعالان محیط‌زیست منطقه نگرانی خود را از تخریب محیط طبیعی دشت دیل کهگیلویه‌وبویرحمد اعلام کردند. او آن سال‌ها را به یاد دارد که درختان چندساله بلوط از ریشه کنده شدند و هنوز این سؤال برایش پررنگ است: «چرا هیچ‌کس صدای اعتراضات بحق ما را نشنید؟ چرا باید جاده در همه نقاط به یک اندازه عریض شود؟ چطور نمی‌دانند نابودی هر بلوط چه بهایی دارد؟»

بعد از چند متر حفاری در دل کوه، رگه‌های گاز خود را نشان داد و کار برای چند سالی متوقف شد، اما با شروع سال جدید، پیگیری‌های نماینده گچساران برای گرفتن اعتبار افزایش یافت و درنهایت کار دوباره شروع شد. «آمار دقیقی ندارم که تاکنون چند درخت قطع شده، اما در ادامه مطمئناً بالای ۲۰۰ تا ۳۰۰ اصله درخت بلوط از ریشه کنده خواهند شد.» از ریشه درآمدن درخت‌ها، فقط آسیبی است که در ظاهر می‌بینیم. نابودی اکوسیستم منطقه از تبعات طولانی‌مدت این اتفاق است «بخشی از منطقه که می‌خواهند در آن جاده بکشند، درختان صدساله دارد. این

سال‌های اخیر با ساخت تونل رو به نابودی گذاشته. هرچند تونل از دل کوه راهش را باز کرده، اما نخاله‌های ناشی از کندن تونل به جنگل‌های بلوط ریخته شده و بیل‌های مکانیکی در سال‌های گذشته بارها به دل بلوط‌ها زده‌اند. نازکی هم در خاطرش یاد البرز زارعی پررنگ است و چندباری در صحبت‌هایش می‌گوید «او آنجا را خاموش کرد و جانش از دست رفت، حالا آنجا نابود شده و قرار است بیش‌ازاین از بین برود، چه بگویم؟ حیف!» او هم می‌گوید تونل از منطقه آبریکون شروع شده و حدود ۱۲ متر طولش است و تسطیح و نابودی پوشش گیاهی بعد از تونل را هنوز نتوانسته ببذیرد «ما بارها اعتراض کردیم، چطور در منطقه حفاظت‌شده چنین آسیبی به جنگل رساندند؟ اداره محیط‌زیست شهرستان و استان مدام می‌گوید این طرح ملی است و پاسخ دیگری هم برای این وضعیت ندارند.»

اتفاقات رخ‌داده تخلف است؛ چراکه به‌گفته نازکی، محدوده بعد از تونل نیاز به دوبانده شدن ندارد و بعد از خروجی تونل، دشتک دیل قرار گرفته که فضای گردشگری است. «این محدوده پرترافیک نیست و ما بارها پیشنهاد دادیم به این چند کیلومتر بعد از تونل دست نزنید و بگذارید جاده قدیمی بماند و بعد از چهار کیلومتر که به روستای دیل رسیدید، دوبانده شروع شود. اما توجهی نکردند و آقای تاجگردون، نماینده مردم گچساران در مجلس بدون توجه به نظرات فعالان محیط‌زیستی و نگرانی‌های ما اعتبار این طرح را گرفته.»

«تنگ پیرزال» نقطه تاریخی و مهم دیگری بود که در سال‌های گذشته با جاده‌کشی نابود شد. نازکی از سال‌های دهه ۶۰ این تنگه می‌گوید؛ وقتی هنوز جان داشت و به تاریخش برمی‌گردد. «تنگه پیرزال جایی بود که آریوبرزن آنجا مقابل سپاه اسکندر ایستاد، نقطه‌ای زیبا که تاریخ مهمی هم داشت اما با جاده‌سازی از دست رفت. این منطقه در محدوده شهرستان چرام است، در گذشته به‌حدی زیبا بود و پوشش گیاهی خاص و خوب داشت که همه را خیره می‌کرد، اما الان هیچ‌چیز از آن باقی نمانده. حالا ما نگرانیم همین اتفاق برای تنگ دیل هم بیفتد.»

قطع درختان اجتناب‌ناپذیر است

اداره محیط‌زیست کهگیلویه‌وبویرحمد اما معتقد است تعریض این جاده با وجود آنکه در منطقه حفاظت‌شده است، باید اتفاق بیفتد؛ چراکه مجوزهای محیط‌زیستی را در سال ۱۳۹۷ گرفته و این چهار کیلومتر که در منطقه حفاظت‌شده قرار دارد نیز جزو این طرح است. «عبدال دیانتی‌نسب»، مدیرکل محیط‌زیست کهگیلویه‌وبویرحمد به «پیام ما» می‌گوید: «قطع درختان در هنگام ساخت‌وساز جاده‌ها اجتناب‌ناپذیر است. مگر در پارک ملی گلستان جاده نکشیده‌اند؟ یا در پارک ملی دنا، اینها نقاط مهم و ذخیره‌گاههای زیست‌کره هستند، اما درنهایت جاده‌کشی در آنها اتفاق افتاد.»

او در پاسخ به این سؤال که چرا مقابل تعریض این چهار کیلومتر نمی‌ایستند و عریض کردن جاده را تنها در همین محدوده متوقف نمی‌کنند؟ می‌گوید: «این امکان وجود ندارد. جاده قدیمی است، عبور و مرور بالاست و راهی جز تعریض جاده در این نقطه نیست.»

آنها هنوز از میزان درختانی که قرار است در اثر این تعریض از ریشه در آیند، اطلاعی ندارند و در پاسخ به این سؤال که آیا کارشناسان برآوردی از آن دارند، ادامه می‌دهد: «خبر، هنوز به ما اطلاع داده نشده. اما کارشناسان ما از اداره محیط‌زیست گچساران و همکاران منابع‌بیعی به این نقطه رفته‌اند و در آینده مشخص می‌شود.»

حالا چندماه‌ای است که در منطقه حفاظت‌شده تنگ دیل، بدون آنکه مشخص باشد چه میزان آسیب خواهد دید، کار شروع شده و ماشین‌های سنگین راهشان به آنجا باز شده است. آمار‌ی از درختانی که تا امروز در این نقطه از دست رفته‌اند، وجود ندارد؛ اما به‌صراحت گفته می‌شود برای ساخت جاده نابودی درختان اجتناب‌ناپذیر است. اما این منطقه برای اهالی آنجا و فعالانش یک منطقه عادی نیست، آنها آنجا البرز زارعی را از دست داده‌اند؛ مرده‌ی جانش را مقابل آتش گذاشت و حالا آتش جاده‌سازی در منطقه می‌تازد.



جواد نازکی: این محدوده

پرترافیک نیست و ما بارها

پیشنهاد دادیم به این چند

کیلومتر بعد از تونل دست نزنید و

بعد از چهار کیلومتر که به روستای

دیل رسیدید دوبانده شروع شود

اما توجهی نکردند و تاجگردون

نماینده مردم گچساران در مجلس

بدون توجه به نظرات فعالان

محیط‌زیستی و نگرانی‌های ما

اعتبار این طرح را گرفت

توسعۀ ارزشمند برپایه تخریب کمتر است

منطقه حفاظت‌شده کوه دیل در سال ۱۳۷۸ در لیست مناطق حفاظت‌شده قرار گرفت. منطقه‌ای ۲۵کیلومتری شمال گچساران (روستای گردشگری دیل) که در خطالرأس آن باغ‌های دیم و کپرهایی به‌همراه چشمه، حوض و قنات‌هایی از میراث نیاکان طایفه دیلی قرار دارند.

تردد از این مسیر کوهستانی همواره سخت بوده و همین مسئله دلیل حفر تونل شد. «امید سجادیان»، دبیر تشکل

«نهضت سبز زاگرس» درباره سال‌های شروع به کار ساخت آن می‌گوید «براساس طرح، نقشه، تأمین اعتبارو تعیین پیمانکار، چند کیلومتر بالاتر از روستای آبریکون، پروژه حفر تونل در زیر کوه دیل شروع و دهنه بعدی تونل در دشتک دیل، واقع شد. اما از دهنه تونل تا خارج شدن از دشتک دیل، حدود چهار کیلومتر در کناره‌های جاده، انبوهی از درختان بلوط و بادام وجود دارد که با توجه به عریض کردن و تسطیح جاده، گونه‌های درختی و گیاهی که در مسیر پروژه قرار گرفته‌اند، از بین می‌روند.»

به‌گفته او، می‌توان برای کاهش خسارت به چهار کیلومتر یادشده، از دوبانده و عریض شدن جاده، صرف‌نظر کرد.

«توسعه و ایجاد مسیریهای ایمن، بخشی از نیازهای اجتناب‌ناپذیر مناطق است، اما این توسعه زمانی ارزشمند خواهد بود که برپایه تخریب کمتر باشد. در هر جایی که می‌توان با طراحی دقیق‌تر، مسیریهای جایگزین یا روش‌های مهندسی کم‌خطر، آسیب کمتری به طبیعت وارد کرد، باید همین مسیر انتخاب شود.»

سجادیان تأکید می‌کند آنچه مناطق را زیست‌پذیر و قابل‌سکونت نگه می‌دارد، طبیعت و درختان کهنسالی

خبر

کارزار حمایت از محیط‌بانان بیش از ۳ هزار امضا جمع کرد

ایپام ما| از شروع سال تاکنون، جامعه محیط‌بانان چندین بار عزادار شده است. ۶ اردیبهشت‌ماه، شلیک مستقیم به «یاسر مصدق» در منطقه کوپلر پارک ملی گلستان جان او را گرفت. یک ماه بعد، در ۱۳ خرداد، «هدایت‌الله دیده‌بان» در منطقه حفاظت‌شده خانیز هدف شلیک گلوله گرفت و جانش از دست رفت و «محمود شاهمرادی» هم در نیمه مردادماه باز در پارک ملی گلستان و در منطقه سولگرد جانش با شلیک مستقیم از دست رفت. در کنار این سه جان عزیز، دو مجروح در درگیری محیط‌بانان با شکارچیان نیز گزارش شد. یکی از آنها محیطبان منطقه کلیطاق شهرستان زاوه خراسان‌رضوی بود که تیرماه در جریان درگیری با شکارچیان هدف شلیک قرار گرفت و مجروح شد و دیگری همیار محیطبان در استان فارس (منطقه حفاظت‌شده اترن-پریشان) بود که در شهریورماه مورد اصابت گلوله شکارچیان قرار گرفت و مجروح شد. ادامدار شدن کشته شدن محیطبانان در مواجهه با شکارچیان در کنار مجروح و زخمی شدن گروهی دیگر از آنها آنها باعث شد نیمه مردادماه و پس از خبر مرگ محیطبان شاهمرادی، کارزاری با عنوان «درخواست حمایت از محیط‌بانان» از طرف محیطبانان، همیاران، جنگلبانان، فعالان محیط‌زیست، دوستداران طبیعت و

حیات‌وحش در سایت کارزار و خطاب به

«شینا اتصاری»، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست به ثبت برسد. در این کارزار که تاکنون سه هزار امضا جمع کرده، آمده است:

«در ماه‌های اخیر، چند تن از محیط‌بانان شریف کشورمان در راه دفاع از حیات‌وحش و منابع‌طبیعی، جان خود را بر اثر شلیک

شکارچیان غیرمجاز از دست داده‌اند. این تراژدی نه‌تنها قلب دوستداران طبیعت را به درد آورد، بلکه نشان‌دهنده خلأهای جدی در ساختار حمایتی، قضایی و امنیتی برای محافظان محیط‌زیست است.

محیط‌بانان و همیاران حفاظت از محیط‌زیست، قهرمانان خاموش این سرزمین‌اند؛ آنان که بی‌ادعا، در دل کوه و جنگل، جان خود را سپر حیات دیگر موجودات می‌کنند. اما امروز، نه‌تنها از حمایت کافی برخوردار نیستند، بلکه در مواردی به‌دلیل دفاع از خود یا طبیعت، با مجازات‌های سنگین روبرو می‌شوند. ما امضا کنندگان این کمپین، خواستار اقدامات فوری و مؤثر زیر از سوی سازمان حفاظت محیط‌زیست و نهادهای مرتبط هستیم:

۱. تقویت یگان حفاظت با تجهیزات و آموزش‌های تخصصی؛
۲. اصلاح قوانین قضایی برای حمایت از محیط‌بانان و محافظان محیط‌زیست در موارد

نوبت اول

(آگهی مناقصه عمومی)



شهرداری رفسنجان

شهرداری رفسنجان در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب شماره ۱۶۶۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ شورای محترم اسلامی شهر، نسبت به احداث نمازخانه بوستان مسافر واقع در بلوار فاتحان اروند از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید؛ لذا از کلیه شرکت‌های واجد صلاحیت که توانایی لازم جهت شرکت در مناقصه را دارند، دعوت بعمل می‌آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مناقصه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند.

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۰	پیشنهادات مختار است.
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه مذکور تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹	مهلت تحویل ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه ۲ روز قبل از بازگشایی پاکات جهت کسب اطلاعات بیشتر با امور قراردادهای شهرداری رفسنجان به شماره (لزام) به ذکر است شهرداری رفسنجان در رد یا قبول تمام یا هر یک از ۰۳۴- ۳۴۲۵۸۸۰۱

اداره ارتباطات و اموربین الملل شهرداری رفسنجان

نوبت اول

(آگهی مناقصه عمومی)



شهرداری رفسنجان

شهرداری رفسنجان در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب شماره ۱۶۶۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ شورای محترم اسلامی شهر، نسبت به اجرای پروژه فاز دوم گذر فرنگ از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید؛ لذا از کلیه شرکت‌های واجد صلاحیت که توانایی لازم جهت شرکت در مناقصه را دارند، دعوت بعمل می‌آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مناقصه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند.

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۰	پیشنهادات مختار است.
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه مذکور تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹	مهلت تحویل ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه ۲ روز قبل از بازگشایی پاکات جهت کسب اطلاعات بیشتر با امور قراردادهای شهرداری رفسنجان به شماره (لزام) به ذکر است شهرداری رفسنجان در رد یا قبول تمام یا هر یک از ۰۳۴- ۳۴۲۵۸۸۰۱

اداره ارتباطات و اموربین الملل شهرداری رفسنجان

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک

استان کرمان

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک

استان بوشهر

آگهی فندان سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین پلاک ۲۰۲۳۳۸ واقع در برزجان بخش سه بوشهر آقای سید احمد موسوی‌نژاد با ارائه دو برگ فرم استعلامیه اعلام نموده سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین پلاک ۲۰۲۳۳۸ واقع در برزجان بخش سه بوشهر در دفتر املاک ۵۶ صفحه ۴۶۰ ذیل ثبت ۱۳۳۹۶ بنام پست جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی زمین‌شهری برزجان صادر و تسلیم گردیده است سپس بموجب سند قطعی شماره ۵۹۸۸۱ مورخ ۱۳۷۰/۰۴/۱۳ دفتر ۶ برزجان مع‌الواسطه به آقای سید احمد موسوی‌نژاد انتقال‌یافته است سپس نامبرده بموجب درخواست ۲۰۱۰۸۸۹-۱۴۰۳۲۱۷۴۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ اعلام نموده سند مذکور در اثر جایجایی مفقود گردیده است و درخواست صدور المثنی سند مالکیت مذکور را نموده؛ لذا مراتب طبق اصلاح تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت اعلام می‌شود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای نموده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد تا ده روز پس از انتشار این آگهی به اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان دشتستان مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا سند معامله تسلیم نماید چنانچه طرف مدت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود المثنی سند طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد

تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

حمیدرضا باقرپور

رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک

شهرستان دشتستان

از طرف: مرتضی قاسمی

م الف: ۶۹۴



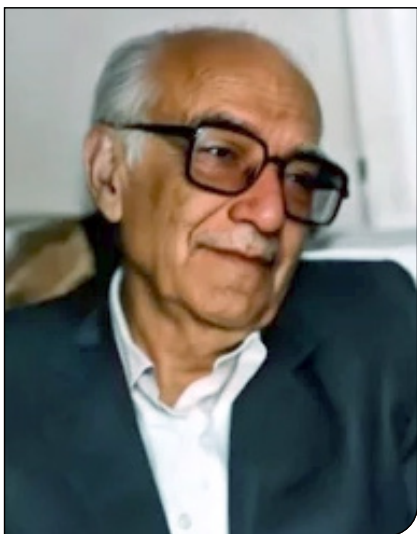
عکس نوشت

عکاس: مجتبی محمدی - ایرنا



روند کاهش تراز آب دریای خزر تا پایان قرن، خشکی تالاب انزلی را سرعت می‌بخشد و طبق نظر کارشناسان محیط‌زیستی تا ۳۵ سال دیگر این تالاب کاملاً خشک خواهد شد. به گفته استاندار گیلان، یکی از مشکلات مهم تالاب بین‌المللی انزلی ورود روزانه حدود ۳۸۰ هزار مترمکعب فاضلاب به این تالاب است که اثرات محیط‌زیستی بسیاری بر پیکره تالاب انزلی وارد کرده است.

مردم ایران؛ جان تاریخ راوندی



ایپام ما «سفری به فرانسه داشتیم و با دیدن کتابی که ترجمه نام آن «زندگی روزمره مردم فرانسه در قرن هجدهم» بود، شوق نوشتن کتابی درباره زندگی اجتماعی مردم در گذشته در من ایجاد شد. چون گمان می‌کردم جای مردم در تاریخ گذشته ایران خالی است و عموم مورخین شرح احوال و اوصاف و اعمال سلاطین را نوشته‌اند.»
 امروز، بیست‌وسوم شهریور سالروز درگذشت مرتضی راوندی، یکی از مورخان بزرگ و پژوهشگران برجسته معاصر ایران است. او چهره‌ای است که تاریخ ایران را از زاویه‌ای نو و متفاوت روایت کرد؛ نگاهی که برخلاف سنت رایج، تنها به شاهان و فرمانروایان محدود نمی‌شد، بلکه زندگی واقعی مردم عادی را محور توجه خود قرار داد. او معتقد بود تاریخ ملی ما تاکنون از مردم و تحولات اجتماعی آنها سخن نگفته و بیشتر حول قدرت و جنگ‌های شاهان نوشته شده است. این ایده، او را به سمت خلق مجموعه ده‌جلدی «تاریخ اجتماعی ایران» هدایت کرد. نخستین دوره تاریخ اجتماعی در ۱۳۴۰ و در سه جلد از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شد. در پی استقبال خوانندگان راوندی با تقسیم‌بندی موضوعی کتاب، دست به تدوین مجدد و انتشار تاریخ اجتماعی ایران کرد و در زمان حیاتش ۹ جلد آن و در نبودش آخرین جلد آن انتشار یافت و این مجموعه در ۱۰ جلد به پایان رسید. راوندی در مورد شیوه تاریخ‌نویسی گفته است: «من معتقدم وقتی راجع به یک شخص بررسی می‌کنیم، باید تمام جنبه‌های مثبت و منفی او را در نظر بگیریم.»
 راوندی با وجود تحصیلات حقوقی و سال‌ها خدمت قضائی، دلبستگی عمیقی به تاریخ و جامعه‌شناسی داشت. سفر او

به فرانسه و آشنایی با کتاب‌هایی درباره زندگی روزمره مردم اروپایی، جرقه‌ای در ذهنش زد تا داستان ایران را نه تنها از زبان پادشاهان، بلکه از زبان مردم روایت کند. او با دقت هزاران فیش و سند تاریخی از منابع داخلی و خارجی گرد آورد و نشان داد می‌توان تاریخ را از منظر زندگی روزمره، پوشاک، غذا، تفریحات و باورهای مردم بررسی کرد. او در سال ۱۳۷۸ درگذشت. تاریخ راوندی، حکایت زندگی است از مردم عادی، که همواره صاحبان اصلی این سرزمین بوده‌اند و اکنون در صفحات تاریخ، صدای آنها نیز شنیده می‌شود.

دیدگاه

از آشپزخانه‌های خانگی تا خیابان انقلاب
 طعم مبارزه



طاہره جوکرش | پژوهشگر اجتماعی و فعال حوزه زنان

در شهری مثل تهران، که ریتم تند زندگی کمتر مجال ایستادن و تماشا کردن می‌دهد، روایت‌هایی وجود دارند که آهسته و پیوسته پیش می‌روند، اما تأثیر عمیقی بر بافت اجتماعی و اقتصادی شهر می‌گذارند؛ روایت‌هایی که از آشپزخانه‌های کوچک شروع می‌شوند و به اقتصاد خرد، اشتغال زنان و بازتزیع فضاهای شهری می‌رسند.

مأم‌کافه: جایی که زندگی در هر بشقاب طعم می‌گیرد

در دل اقتصاد شهری، بخش بزرگی از کار زنان، به‌ویژه کار خانگی و آشپزی، هنوز در سایه قرار دارد. اما زنانی هستند که از دل همین «کار رایگان خانگی» مسیر استقلال مالی و حتی اشتغال‌زایی را پیدا کرده‌اند. مامان مریم یکی از آن‌هاست. وقتی از کنار پنجره خانه‌ای قدیمی در حوالی خیابان انقلاب رد شد، بوی غذا و صدای روغن داغ در کنار غذا می‌شنید. مرا متوقف کرد. آنجا بود که برای اولین بار دیدمش: زنی میانسالی با لباس‌هایی رنگارنگ، با لبخندی گرم و دستانی مشغول به پخت‌وپز. این داستان یک زن است که با عشق، اراده و تلاش این مکان را از دل خانه‌ای معمولی به فضای رنگی، پر از زندگی و تحرک تبدیل کرده است. «همیشه دوست داشتم جایی داشته باشم که هر کسی وارد آن می‌شود، احساس کند پیش مادر یا مادرزنگش آمده؛ جایی که محبت و توجه یک خانواده را در کنار غذا حس کند. برای من، هر مشتری مانند فرزندم است و با تمام وجود دوستش دارم.» این جمله‌های «مریم»، روحیه مهربانه و کارآفرینانه او را به خوبی نشان می‌دهد. او نطفه‌ی کارآفرینانه، بلکه در تمامی فرایندهای این رستوران حضور دارد؛ از خرید مواد اولیه تا پخت غذا، و حتی بازسازی رستوران، همه و همه با دستان خودش و خانواده‌اش انجام شده است.

درفچه عاشقانه: راهنمای آشپزی مریم و همسرش
 «بعد از رفتن همسر، تصمیم گرفتم این راه را ادامه دهم و دوست دارم بعد از من فرزندان و نوه‌هایم آن را ادامه دهند. نمی‌خواهم با رفتن من، کرکه غذای خانگی‌ام پایین بیاید. می‌خواهم اینجا همیشه ماندگار باشد.» «مریم کمونه»، سال‌هاست که به آشپزی مشغول است، او و همسرش، از سال ۱۳۸۴ کار خود را آغاز کردند؛ با یک خانه در کرج که در آن غذا می‌پختند و همسرش آنها را در مغازه‌ای در سرفه گوه‌رشدت عرضه می‌کرد. همسر مریم، که خود به‌شدت عاشق آشپزی بود، تأثیر بسیار زیادی در یادگیری هنر آشپزی به مریم داشت. مریم در این مسیر از تجربیات و آموزش‌های همسرش بهره برد و توانست آشپزی خود را به سطحی برساند که امروز در

نیرسیدم، چرا این اتفاقات افتاد. فقط دستم را به زانو زدم و بلند شدم. اگر من تسلیم می‌شدم، هیچ‌وقت به جایی که الان هستم نمی‌رسیدم.» قبل از اینکه وارد دنیای آشپزی شود، مریم تصمیم گرفت توانمندی‌های خود را محک بزند و این‌بار در دنیای خارج از خانه فعالیت کند. «زمانی که همسرم با مشکلات اقتصادی روبرو شد، تصمیم گرفتم برای اولین‌بار برای کسب درآمد از خانه بیرون بیایم و شغلی پیدا کنم. در آن‌سبب با توان مهرشهر کرج شغلی پیدا کردم و یک سال با یک پراید ۱۴۱ شروع به رانندگی کردم. این تجربه به من نشان داد می‌توانم بیشتر از آنچه فکر می‌کردم، توانایی داشته باشم.» این تجربه به مریم اعتمادبه‌نفس داد و به او نشان داد می‌تواند مستقل باشد.

چالش‌های مریم کمونه در مسیر رستوران‌داری
 با شروع کار آشپزی، مریم وارد دنیای جدیدی شد که با چالش‌های آن آشنا بود: «آشپزی برای من هیچ‌وقت خسته‌کننده نبود. همیشه با عشق این کار را انجام می‌دادم. هیچ‌وقت نمی‌گویم چقدر باید دوباره غذا بپزم، چون این کار نهنقی یک شغل، بلکه راهی است برای ارتباط با خانواده و مشتری‌هایم.» زندگی مریم در دنیای رستوران‌داری، با تمامی چالش‌ها و سختی‌ها، همچنان ادامه دارد. او از مشکلات اقتصادی می‌گوید: «حتی در دوران جنگ، مجبور شدیم کافه را ببندیم و روزها درآمدی نداشتیم. گاهی هم به‌دلیل نداشتن فریزر و استفاده از مواد تازه، با مشکلات روبرو می‌شویم.» اما مریم به‌هیچ‌وجه از هدفش کوتاه نمی‌آید. او معتقد است اگرچه این کار سخت است، اما با عشق آشپزی می‌کند. او همچنین به مشکلات اجتماعی و امنیتی اشاره می‌کند که در شروع کار با آن روبرو بود: «در کنترتی که در کرج داشتیم، با مسائل متعددی روبرو بودم. اگر پسرانم کمک نمی‌کردند، احتمالاً دچار مشکلات جدی می‌شدم. شب‌ها نمی‌توانستم تا دیروقت بمانم و پیش از تاریک شدن هوا، مجبور بودم مغازه را ببندم. هر کسی به خودشان اجازه می‌داد، هر برخوردی داشته باشد و حتی مزاحم تلفنی هم داشتیم. من و دخترم همیشه از پس کارها برمی‌آمدیم و نیازی به کمک دیگران نداشتیم. اما حضور پسرانم باعث شد که از مشکلات بزرگ‌تر جلوگیری کنیم. هرچند در آنجا شب‌ها امنیت پایین بود، اما اینجا در تهران به‌خاطر موقعیت مکانی می‌توانم تا دیروقت مشغول به کار باشم.»

آینده‌ای روشن برای مام‌کافه
 مریم کمونه به آینده‌ای روشن برای این کسب‌وکار فکر می‌کند و قصد دارد در فضای حیاط کافه، فضای پویا و خلاقانه ایجاد کند. «دختر و پسر هم‌نشدند و ما همیشه در کنار هم، به هنر و آشپزی علاقه داشتیم. در آینده قصد داریم در حیاط کافه، بازارچه‌ای برای فروش دست‌سازهای زنان و کارگاه‌های هنری برگزار کنیم. می‌خواهیم جایی باشد که در آن هنر و غذا دست در دست هم به مردم ارائه شود، جایی که تجربه‌های متفاوت از طعم و رنگ برای همه به ارغوان بیاید.» مام‌کافه، نمونه‌ای از فضاهای کوچک اما قدرتمند اقتصاد زنانه در شهر تهران است. جایی که با سرمایه اجتماعی، نیروی خانوادگی، مهارت خانگی و اعتماد مشتری، یک زن توانسته در مرکز شهر، در دل بحرانی‌ترین روزهای اقتصادی، بایستد.

قفسه

سرودن نان



کتاب «سرودن نان» نوشته «اسکات کاتلر شرشو» با ترجمه «ملیکا خوش‌نژاد» از سوی نشر «اطراف» به چاپ رسیده است. در معرفی این کتاب آمده است: «نان چیست؟ در نگاه اول، پاسخ آسان به‌نظر می‌رسد: خوراکی ساده. اما نان را نباید فقط غذایی برای سیر کردن شکم دانست. نان پدیده‌ای است زنده و پیچیده؛ نمادی از هم‌زیستی انسان و مخرم‌ها که می‌تواند به فساد یا زایش منجر شود. کتاب سرودن نان نشان می‌دهد نان برخلاف ظاهرش هرگز خوراکی پیش‌یافتاده‌ای نبوده، بلکه همیشه محملی بوده برای طرح مسائل پیچیده بشری. تجربه پخت نان انگار نوعی بازی با زمان است. خمیر زنده است، اما نه به‌شکلی که ما معمولاً زندگی را می‌فهمیم. خمیر نفس می‌کشد، تغییر می‌کند و در این فرایند، ما را به چیزی فراتر از خودمان پیوند می‌دهد: به میکروارگانیسم‌ها، به تاریخ، به زمین. اسکات کاتلر شرشو، برای تحلیل نان و سیر تاریخی آن، از دریدا کمک می‌گیرد و با الهام از مفهوم بیگانه‌سازی او، از ما می‌خواهد نان را نه خوراکی آشنا، که بیگانه‌ای واقعی ببینیم. او با این تغییر منظر، به جهان پیچیده و چندوجهی نان سرک می‌کشد و به‌جای ارائه روایتی خطی و تاریخی، به کمک شبکه‌های درهم‌تنیده از مفاهیم، نان را در نقطه تلاقی رشته‌های گوناگون دانش بشری قرار می‌دهد.»
 در ادامه این معرفی گفته شد: «سرودن نان ما را به جهان میکروسکوپی نان می‌برد؛ به اجتماع مخرم‌ها و باکتری‌هایی که در فرایند تخمیر، شریک انسان در یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهایش بوده‌اند. همان‌زمان، تحلیلی تاریخی و جامعه‌شناختی نیز به این شبکه اضافه می‌کند. کتاب به یادمان می‌آورد نان هرگز ایزوله‌ای خنثی نبوده است. برای مثال رنگ نان در روم باستان یا اروپای قرون وسطی نشانه آشکار تمایز طبقاتی بوده است. شرشو در ادامه، تحلیل‌هایی را به اسطوره‌شناسی، دین و ادبیات پیوند می‌زند و از جایگاه مقدس نان در آیین‌های کهن -از نان فطیر یهودیان در عید فصح تا بدن

مسبح در عشای ربانی - سخن می‌گوید.
 آنچه کتاب سرودن نان را متمایز می‌کند، نگاه کل‌نگرانه آن است. نویسنده با کنار هم گذاشتن وجود گوناگون، در نهایت به تصویری بزرگ‌تر دست می‌یابد. از نگاه او، نان فقط نوعی خوراک نیست، بلکه ذریعینی است برای مشاهده بزرگ‌ترین تضادهای هستی انسان: زندگی و مرگ، فرد و اجتماع، امر مادی و امر متعالی و ضرورت و آزادی.»

نوبت اول

((آگهی مناقصه عمومی))

شرکت توزیع نیروی برق استان هرمزگان در نظر دارد خدمات مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه های عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید:

ردیف	موضوع	شماره مناقصه
۱	اصلاح شبکه فرسوده و تأمین روشنایی معابر در جزیره تنب بزرگ با حجم پروژه: ۱- احداث ۱۵ دستگاه پست هوایی ۲- احداث ۳۳۰ متر شبکه فشار متوسط هوایی ۳- جمع آوری ۱۱۰ متر شبکه فشار متوسط هوایی ۴- احداث ۴۰۰ متر شبکه فشار ضعیف هادی مسی به کابل خودنگهدار ۵- اصلاحی یک دستگاه پست زمینی ۶- احداث ۱۰۰ متر شبکه فشار ضعیف زمینی از محل اعتبارات داخلی (تواپیر- جزایر) مبلغ تقصیم شرکت در مناقصه: ۲,۱۹۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال مدت زمان انجام کار: سه (۳) ماه پیش پرداخت: ده (۱۰) درصد	۱۴۰۴-۴۵
۲	اصلاح شبکه فرسوده و تأمین روشنایی معابر در جزیره تنب کوچک با حجم پروژه: ۱- احداث ۱۰- جمع آوری یک دستگاه پست هوایی ۲- احداث ۹۰ متر شبکه فشار (متوسط هوایی) ۳- احداث و جمع آوری ۶۰۰ متر شبکه فشار ضعیف زمینی ۴- احداث ۴۰۰ متر شبکه فشار ضعیف هادی مسی به کابل خودنگهدار (تواپیر- جزایر) مبلغ تقصیم شرکت در مناقصه: ۲,۸۵۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال مدت زمان انجام کار: سه (۳) ماه پیش پرداخت: ده (۱۰) درصد	۱۴۰۴-۵۵
۳	اصلاح شبکه فرسوده و تأمین روشنایی معابر در جزیره ایوموسی با حجم پروژه: ۱- احداث یک دستگاه پست هوایی ۵۰- احداث ۲- احداث ۵۰۰ متر شبکه فشار متوسط هوایی ۳- احداث و جمع آوری ۲۳۰۰ متر شبکه فشار ضعیف هادی مسی به کابل خودنگهدار ۴- احداث و جمع آوری ۶۷۰ متر شبکه روشنایی معابر هادی مسی به کابل خودنگهدار (۵- اصلاح دو پست زمینی و جمع آوری یک پست زمینی ۶- احداث ۲۰۰ متر شبکه فشار ضعیف زمینی از محل اعتبارات داخلی (تواپیر- جزایر) مبلغ تقصیم شرکت در مناقصه: ۷,۴۵۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال مدت زمان انجام کار: سه (۳) ماه پیش پرداخت: ده (۱۰) درصد	۱۴۰۴-۵۶
۴	تعویض سیم کابال محله شملیبا، حسین آباد و محله شیروال واقع در شهرستان بندرعباس مدیریت برق ناحیه یک با حجم عملیاتی احداث ۵۷۰ متر شبکه خودنگه دار، نصب سایه و جمع آوری شبکه سیم پایه و اعتماد مشتری، یک زن توانسته در مرکز شهر، در دل بحرانی‌ترین روزهای اقتصادی، بایستد.	۱۴۰۴-۵۷

مبلغ تقصیم شرکت در مناقصه به سه صورت ضمانت بانکی و واریز وجه نقد و کسر از مطالبات مورد قبول می‌باشد.

لذا کلیه پیمانکاران واجد شرایط که دارای تجربه تخصص و تجهیزات لازم بوده می‌توانند پس از تاریخ درج آگهی نوبت دوم در روزنامه جهت خرید اسناد مناقصه به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند و جهت دریافت اسناد اقدام نمایند.
 - آدرس: دستگاه مناقصه‌گر: بندرعباس - بلوار جمهوری اسلامی - جنب شرکت مسکنی زیتون (پیروگاه قدیم) شرکت توزیع نیروی برق هرمزگان تلفن: ۰۷۶-۳۱۲-۳۱۲۰۴۰۲-۰۷۶-۳۱۲-۳۱۲۰۴۰۲
 - مشخصات شرکت توزیع نیروی برق استان هرمزگان: شناسه ملی شرکت: ۱۰۱۳۳۳۵۷۲-۱۹۵۴ کدپستی: ۷۵۱۵۱-۲۸۱۳۶
 - محل بازگشایی پاکت: شرکت توزیع برق هرمزگان - دفتر امور مذاکرات و اعتبارات
 - به پیشنهادهای فائده‌آمدا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء آمدت مقرر در اسناد مناقصه واصل می‌شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
 - هزینه چاپ آگهی روزنامه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
 - آدرس: دالود اسناد: خرید اسناد فقط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ساتد) میباشد. (www.setadiran.ir)